



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)
گرایش: حقوق بین الملل

عنوان:

تحلیل حقوقی زنانه شدن فقر با تأکید بر فعالیت های حقوق بشری
سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای مرتبط در جهت رفع آن

استاد راهنما:

دکتر عاطفه امینی نیا

استاد مشاور:

دکتر بهشید ارفع نیا

نگارش:

سارا ملکیان

تابستان ۱۳۹۱

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

چکیده

بهبتر از هر آغاز کلام در زمینه فقر زنان و فقر زدایی از آنها شعر شاعر بزرگوارمان سعدی شیرین سخن

می تواند راهگشا باشد، آنجا که می فرماید:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

همانطور که شاهد هستیم برجسته ترین ویژگی قرن معاصر، دستیابی به توسعه انسانی پایدار است، که این امر بدون توجه به نقش حیاتی و محوری زنان غیر ممکن می باشد و انسان ساز بودن آنان به اهمیت و رسالت نقش زنان در خانواده و جامعه جهانی می افزاید تا آنجا که تحت آرمان تساوی، میلیون ها زن و مرد در اقصی نقاط جهان کوشیده اند تا زنان بتوانند به موقعیت حقوق خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود دست یابند. با اینکه در چند دهه گذشته، زنان و مردان، جوانان و کهنسالان توانسته اند با کوشش، تلاش و همت خود از یوغ استعمار آزاد گردند و در اکثر جوامع بشری نرخ رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی به بالاترین سطح خود رسیده است و در مجموع مردم جهان توانسته اند به شرایط مطلوبتری از لحاظ اقتصادی دست یابند

ولی متأسفانه هنوز فاصله ای بس طولانی تا رفع ظلم، ستم، فقر، تبعیض و نابرابری از زنان داریم. در واقع سوال اصلی این است که آیا موقعیت متفاوت زنان در ساختار اجتماعی، اقتصادی در مقایسه با مردان منجر به نابرابری های بنیادین شده و فقر را برای زنان به ارمغان می آورد و سوال فرعی اینکه آیا از نظر جنسیتی زنان بیشتر در معرض فقر هستند یا مردان؟ بر مبنای بررسی های مختلف که توسط سازمان ملل متحد انجام گرفته است، چه در کشورهای توسعه یافته، چه در حال توسعه، اعم از فقیر و غنی آمار و ارقام بیانگر تبعیض علیه زنان است. آنها از اکثر امکانات لازم جهت بالا بردن کمی و کیفی شرایط موجود خود محروم مانده و به عنوان آسیب پذیرترین قشر در جوامع خود محسوب می شوند و در بهترین شرایط به عنوان شهروند درجه دوم و یا بهتر بگوئیم سوم (چون اولاد ذکور بر آنان ارجحیت دارد) تلقی می گردند. زنان با آنکه در کلیه سطوح اجتماعی به عنوان کشاورزان، بازرگانان، کارگران، پیشه وران، معلمان، پزشکان،

مدیران و در صدر آن مادران؛ همواره بار بیش از نیمی از مسؤلیت جوامع را عهده دار بوده اند ولی متأسفانه حتی تا به امروز استفاده صحیح و بهینه از نیروی انسانی آنها نشده است و در همه جوامع مورد تبعیض و ستم مضاعف قرار گرفته اند، به همین دلیل اکثریت جوامع محروم و فقیر در جهان را زنان تشکیل می دهند.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۱	مقدمه
۶	کلیات

بخش اول: مفهوم فقر با تأکید بر فقر زنانه

۱۲	فصل اول: تعریف فقر
۱۳	مبحث اول: فقر به عنوان فقدان یا کمیابی منابع فردی
۳۱	مبحث دوم: فقر و حقوق بشر (Poverty And Human Rights)
۵۳	فصل دوم: مفهوم زنانه شدن فقر
۵۴	مبحث اول: فقر و تبعیض جنسیتی، ساختارهای اقتصادی، اجتماعی
۸۳	مبحث دوم: تأثیر متفاوت شاخص رشد و توسعه انسانی بر فقر زنان
۹۳	مبحث سوم: بررسی آثار و پیامدهای حاصل از فقر با تأکید بر فقر زنان

بخش دوم: تحلیل حقوقی چهره زنانه فقر در سطح بین المللی

۹۹	فصل اول: بررسی چهره زنانه فقر در سطح بین المللی
۱۰۰	مبحث اول: جهانی شدن و تأثیر آن بر فقر زنان
۱۳۲	فصل دوم: بررسی تعدادی از مهمترین کنوانسیونهای بین المللی در خصوص حقوق زنان
۱۳۲	مبحث اول: کنوانسیون بین المللی رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان
۱۷۱	مبحث دوم: نگاهی به اعلامیه توسعه هزاره سازمان ملل متحد

بخش سوم: بررسی عملکرد سازمان ملل متحد پیرامون حقوق زنان و رفع فقر

آنها و ارائه راهکارهای ملی و بین المللی

فصل اول: نقش ارکان اصلی، سازمانها و نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد در

جهت مبارزه با فقر با تأکید بر حقوق زنان

.....

۱۹۳

مبحث اول: ارکان اصلی سازمان ملل متحد..... ۱۹۴

مبحث دوم: سازمانهای تخصصی سازمان ملل متحد ۲۰۳

مبحث سوم: نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد ۲۳۵

فصل دوم: نقش ارکان فرعی سازمان ملل متحد در جهت مبارزه با فقر با تأکید بر

حقوق زنان

.....

۲۴۷

مبحث اول: برنامه جهانی غذا (WFP) ۲۴۷

مبحث دوم: برنامه عمران سازمان ملل متحد (UNDP) ۲۵۴

فهرست منابع و مأخذ..... ۲۶۸

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

مقدمه :

امروزه وضعیت حقوقی زنان در کشورهای مختلف، و در برخی موارد، در بین گروه های یک کشور، مانند گروه های قومی یا طبقات اقتصادی، به میزان قابل ملاحظه ای متفاوت است. در بسیاری از کشورها، به زنان حق رأی داده شده است، اما زنان همچنان از سهم محدودی در اتخاذ تصمیمات دولتی برخوردار می باشند. علیرغم اینکه در سال ۱۹۹۴، زنان، دولت های ۱۰ کشور جهان را رهبری کردند، در دستگاه تقنینی بیش از ۱۰۰ کشور، عضو زن دیده نمی شد. امروزه نیز زنان تنها حدود ۹ درصد از نمایندگان پارلمان کشورهای صنعتی و ۱۲ درصد از نمایندگان پارلمان کشورهای در حال توسعه را تشکیل می دهند.

اما همچنان نابرابریهای زیادی بین حقوق قانونی زنان و وضعیت اقتصادی آنها دیده می شود. امروزه علیرغم اینکه در سطح بین المللی تلاش می شود تا به مردان و زنان، معاش یکسان پرداخت شود، زنان حدود ۷۰ درصد از جمعیت فقیر جهان را تشکیل می دهند. اگرچه در سال ۱۹۹۰، زنان نزدیک به ۳۲ درصد نیروی کار جهان را تشکیل می دادند، درصد بسیار پایینی از آنها در پست های مهم تصمیم گیری مشغول به کار بودند. در اواسط دهه ۹۰، زنان تنها ۸ درصد از پست های سطح بالای مدیریتی موسسات و شرکت های ایالات متحده را صاحب بودند. در این دوره، از بین مدیر عاملان ۱۰۰۰ مورد از بزرگترین شرکت های خارج از ایالات متحده، تنها ۱ درصد زن بودند. زنان در عرصه آموزش هم دچار محرومیت های زیادی می باشند. اگرچه در حال حاضر میزان ثبت نام دختران در مکاتب ابتدائیه، تقریباً برابر با پسران است، ولی حدود دوسوم از جمعیت بزرگسالان بی سواد جهان_ برابر با یک میلیارد نفر_ را زنان تشکیل می دهند.

بنابراین منظور از حقوق زن، حقوقی است که برای زنان، جایگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برابر با مردان مقرر می کند. حقوق زن تضمین کننده محورگونه تبعیض جنسی علیه

زنان می باشد. تا نیمه دوم قرن بیستم، در اکثر جوامع، زنان از برخی حقوق قانونی و سیاسی که به مردان اعطا شده بود، محروم بودند. اگرچه در اکثر جهان، زنان حقوق قانونی قابل ملاحظه ای به دست آورده اند، از نظر بسیاری از مردم، زنان هنوز هم در حوزه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از برابری کامل با مردان برخوردار نیستند.

در بخش عمده تاریخ تمدن غرب، عقاید فرهنگی ریشه دار، نقش زنان را در جامعه بسیار محدود ساخت. به عقیده بسیاری از مردم، مادر بودن و زن بودن، نقش های ذاتی زنان بودند. از نظر این افراد، زنان شایسته خانه داری و پرورش اطفال بودند تا مشارکت در زندگی کاری یا سیاست. این باور که زنان از نظر فکری پست تر از مردان هستند، باعث شد که آموخته های زنان در اکثر جوامع، تنها به مهارت های خانگی محدود شود. مردان طبقه بالا و دارای تحصیلات قابل توجه، اکثر موقعیت های شغلی و دارای قدرت موجود در جامعه را تحت کنترل شان در آوردند.

تا قرن نوزدهم، محرومیت زنان از برخورداری از حقوق برابر با مردان، اعتراض بسیار کمی را به دنبال داشت و عده بسیار کمی از مردم به این مسئله توجه کردند. از آنجا که اکثر زنان جهت ایستادگی در برابر وضعیت اجتماعی آن زمان، از منابع آموزشی و اقتصادی لازم برخوردار نبودند، تنها گزینه پیش روی آنها، پذیرش جایگاه اجتماعی پایین تر در جامعه بود. این محرومیت ها در عین حال متوجه اکثر مردان طبقه کارگر نیز می شد، چنانکه بسیاری از حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به ثروتمندان سرآمد جامعه منحصر شد. در اواخر قرن هجده، نظریه پردازان و فیلسوفان سیاسی با هدف از میان برداشتن نابرابری های موجود میان مردان، بر این نکته تاکید ورزیدند که تمامی مردان، برابر آفریده شده اند و از این رو سزاوار برخورداری از رفتار یکسان مطابق با قانون می باشند. در قرن نوزدهم، چنانکه دولت های اروپا و شمال امریکا به تصویب قوانین جدیدی که متضمن برابری بین مردان بودند، می

پرداختند، تعداد قابل ملاحظه ای از زنان – و برخی از مردان- خواستار اعطای حقوق یکسان به زنان نیز شدند.

هم زمان با این وقایع، وقوع انقلاب صنعتی در اروپا و شمال امریکا، فاصله موجود بین نقش های مردان و زنان را بیشتر ساخت. پیش از انقلاب صنعتی، اکثر مردم مشغول زراعت یا صنایع دستی بودند که هر دو مورد در درون یا نزدیک خانه انجام می شد. در این دوره، زنان و مردان معمولاً وظایف بیشماری را بین خود و اطفال شان تقسیم می کردند. ولی صنعتی شدن باعث شد که مردان درصدد یافتن کار در خارج از خانه و در کارخانه ها و سایر شرکت های بزرگ برآیند. فاصله فزاینده بین کار و خانه این طرز تفکر که "مناسب ترین جا برای زنان، خانه است، و مردان متعلق به دنیای کار و سیاست هستند" را قوام بخشید.

سرانجام فعالیت های سازمان یافته زنان در جهت کسب حقوق بیشتر طی دو موج اصلی شکل گرفت. موج اول تقریباً در اواسط قرن ۱۹ آغاز شد، هنگامی که زنان در ایالات متحده و جاهای دیگر برای بدست آوردن حق رأی مبارزه کردند. این موج تا دهه بیست، زمانی که چندین کشور به زنان حق رأی اعطا نمودند، ادامه یافت. موج دوم در طول جنبش حقوق مدنی در دهه ۶۰، شتاب بیشتری به خود گرفت. در این زمان، تلاش سیاه پوستان آمریکا برای کسب برابری موجب شد که زنان تلاش هایشان در راستای تحقق برابری را از سر بگیرند.

تلاش های مبنی بر دستیابی به حقوق زنان، طی یک دوره فعالیت های پرحرارت روشنفکری که به «عصر روشنگری» معروف است، آغاز شد. در خلال عصر روشنگری، فیلسوفان سیاسی در اروپا شروع به زیر سوال بردن عقاید سنتی ای کردند که با توجه به آن، حقوق شهروندان بر مبنای ثروت و وضعیت اجتماعی شان تعیین می گردید. از سوی دیگر، رهبران این عصر استدلال کردند که تمامی مردم با حقوق طبیعی متولد شده اند که به آنها آزادی و برابری اعطا می کند. آنها سیستم آموزشی نامناسب و محیط اجتماعی ناسالم آن زمان

را دلیل تمامی نابرابری های موجود در بین شهروندان می دانستند. فیلسوفان این عصر، بر این باور بودند که می توان از طریق بهبود سیستم آموزشی و ساختارهای اجتماعی مساوات طلبانه، این نابرابری ها را از میان برداشت، اما امروزه همان گونه که شاهد هستیم با وجود شعارهای بسیار در خصوص برابری زنان و مردان و احترام به کرامت انسانی همچنان تبعیض جنسیتی و نابرابری در بین جوامع بشری موج می زند.

بنابراین می بینیم که موضوع حقوق انسانی زنان به صورت یکی از بحث بر انگیزترین موضوعات در زمینه حقوق بشر است. گزارشات تکان دهنده، اخبار، آمار، اطلاعات، حوادث و واقعیات ملموس و عینی نشان از نقض فاحش و گسترده حقوق اساسی بشر و به ویژه زنان در سراسر جهان دارد و اشکال معاصر بردگی و جاهلیت مدرن در کنار رویه ها، سنن و آداب و رسوم و اعمال زیان آور، کماکان زندگی زنان را متأثر می سازد.

به رغم تمامی تلاش ها، اقدامات، تدابیر و حرکت های مقطعی و برنامه های بلند مدت، همچنان زنان دنیا در موقعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فرودستی نسبت به مردان به سر می برند و وضعیت موجود آنها حکایت از این دارد که باید ریشه مشکلات زنان خشکانده شود و به جای پرداختن به معلول با علت العلل عقب افتادگی زنان مبارزه شود.

در واقع سوال اصلی این است که آیا موقعیت متفاوت زنان در ساختار اجتماعی، اقتصادی در مقایسه با مردان منجر به نابرابری های بنیادین شده و فقر را برای زنان به ارمغان می آورد و سوال فرعی اینکه آیا از نظر جنسیتی زنان بیشتر در معرض فقر هستند یا مردان؟

هر چند که ممکن است در حرف و در قانون و بر روی کاغذ نسبت به احقاق حقوق زنان امعان نظر کافی شده باشد اما نباید انتظار داشت که در عمل وضعیت زنان بهبود یابد. علت اساسی و اصلی مشکلات زنان زیرساخت های ذهنی جوامع است که باید تغییرات لازم در بینش، نگرش و به طور کلی ساختار فرهنگ جوامع که منجر به مناسبات نابرابر میان زنان و

مردان در برخورداری از قدرت در طول تاریخ شده، انجام شود. این دگرگونی زمانی تحقق می یابد که حقوق انسانی زنان و دختران به رسمیت شناخته شود و تلاش لازم برای حمایت و تأمین حقوق آنان به جریان افتد، انسان و انسانیت تعریف درست خود را بیابد و زن به عنوان یک انسان مورد شناسایی قرار گیرد و به جایگاه شایسته و بایسته خود تکیه زند. توجه به حقوق زنان از دریچه حقوق انسانی موجب می شود که ابزارهای نیرومند و روش های جدید برای پرداختن به مسائل زنان به وجود آید. تعمیم حاکمیت اصول بنیادین حقوق بشر به زندگی و حقوق زنان و دختران این امکان را پدید می آورد که زنان استحقاق برخورداری از شأن، شرافت و کرامت ذاتی را بیابند و دولت و جوامع را موظف به برخی از ارزش های اخلاقی و معنوی جهانشمول نماید و زنان به عنوان یک انسان در هیچ شرایطی حق ندارند خود را از آن حقوق محروم سازند، در واقع هیچ دولت یا موجود دیگری نمی تواند موارد نقض حقوق بشر را توجیه کند، و هر جا سوء استفاده ای از حقوق انسانی زنان و دختران خواه در حوزه زندگی خصوصی و خواه در حوزه زندگی عمومی روی دهد، پای مسئولیت دولت ها به میان کشیده می شود. از سوی دیگر پایبندی به این حقوق، تنها وظیفه دولت نیست و هر انسانی باید در رابطه های انسانی خود، بیشتر از همه در رابطه های بنیادین زندگی اش حقوق انسانی را پاس دارد تا شاهد دنیایی سرشار از برابری و مساوات باشیم.

کلیات

الف- بیان مسئله تحقیق

در جوامع بحران زده و گرفتار تورم و گرانی بسیار دشوار است که به یک موضوع خاص اولویت بخشید و دیگر مشکلات را در رده های بعدی قرار داد. اما امروزه مسئله فقر و به خصوص فقر زنانه با چهره ای بس کریه، زشت و نامتناسب با کرامت انسانی و حیثیت ملی چنان در جامعه ما و دیگر جوامع بشریت، ریشه دوانده است که از شعارهای سرداده شده که همواره بر شخصیت آزاد و برابر زن اصرار می ورزند بسیار دور است.

در واقع همانطور که می دانیم امروزه جایگاه انسان، محور اصلی توسعه است و توجه به نیازهای اساسی انسان و رهایی از فقر صرفاً جنبه بشر دوستانه ندارد بلکه بهره مندی از ابعاد توسعه و رها شدن از فقر یک حق مسلم در قوانین بین المللی محسوب می شود، که در این میان رهایی زنان از فقر از اهمیت خاصی برخوردار می باشد تا آنجا که به گفته دبیر کل سابق کمیسیون سازمان ملل متحد، در حالی که زنان پنجاه درصد جمعیت جهان را تشکیل می دهند اما یک سوم نیروی کار محسوب می شوند، یک دهم درآمد جهان و تنها یک صدم مالکیت املاک را دارا هستند و چه متأثر کننده است که نیمی از کره زمین تنها یکصدم سهم جهان را دارا است!

بنابراین طبق مطالعات انجام شده در این زمینه و آنچه که آمارها نشان می دهند می بینیم که زنان در سطح جهانی و ملی از محرومیت های مضاعف رنج می برند و این مفهوم اساسی می بایست در نظام برنامه ریزی، سیاست گذاری، تخصیص منابع، اجرا و ارزشیابی از عملکرد مسئولین وارد شود و این مهم میسر نمی گردد، جز به دانش، تخصص، اطلاعات و مهارت لازم. بنابراین برای رهایی از فقر یکی از کارهایی که باید انجام گیرد تدوین و استفاده از شاخص هایی است که نسبت به مسئله جنسیت و حقوق مساوی افراد حساس است.

حال به راستی تأثیر نا مساوی سیاست های اقتصادی بر زنان و مردان چیست؟ علل و عوامل زنانگی فقر به چه چیز بستگی دارد؟ راهکارهای حقوقی جهت رفع این مسئله چیست؟ آیا به راستی سازمانهای جهانی جهت رفع فقر و زدودن آن به خصوص از چهره زنان تمهیداتی اندیشیده اند؟

ب- اهمیت موضوع تحقیق

تاکنون پژوهش های با ارزشی در زمینه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در رابطه با وضعیت زنان و مشکلات آنها ارائه شده است. فعالان جنبش زنان بررسی های تحلیلی روشنی از قوانین حقوقی تبعیض آمیز و غیر انسانی در جامعه و نقش دولتهای حاکم در این راستا ارائه داده اند. ولی با توجه به اینکه امروزه فقر و به خصوص چهره زنانه آن یکی از مهمترین معضلات عصر حاضر به شمار می رود که میلیون ها نفر انسان را به خود گرفتار کرده است و در این میان زنان بیشترین قربانیان تلخ فقر در جهان به شمار می روند، متأسفانه در زمینه وضعیت و شرایط اقتصادی، بیکاری، فقر و تهیدستی زنان، کار کمتری ارائه شده است.

بر طبق آمار موجود در حال حاضر ۱/۳ میلیارد نفر در دنیا با روزی کمتر از یک دلار زندگی می کنند که هفتاد درصد آن را زنان تشکیل می دهند. حال اگر چه با وجود کمبود اطلاعات درباره گروههای مختلف زنان فقیر تحلیل حقوقی این پدیده به خوبی امکان پذیر نیست اما اینجانب با همین اطلاعات محدود سعی در نشان دادن این واقعیت تکان دهنده و تأسف انگیز هستم که زنان به مراتب بیشتر از مردان از مسئله فقر آسیب می بینند و تا زمانی که از نظر حقوقی حضور زنان در ساختار اجتماعی- اقتصادی در مقایسه با مردان نابرابر است و تا زمانی که زنان از حقوق کامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برخوردار نباشند نمی توان فقر را از چهره جامعه و به خصوص زنان زدود.

ج- سوالات تحقیق

همانطور که می دانیم، فقر یکی از اساسی ترین چالش ها در گذشته و در عصر حاضر می باشد که پیامدهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و روانی بسیاری به همراه دارد. حال در این پژوهش سعی شده است به سوالات زیر پاسخ داده شود:

- مفهوم فقر چیست؟

سوال اصلی

- آیا موقعیت متفاوت زنان در ساختار اجتماعی، اقتصادی در مقایسه با مردان منجر به نابرابری های بنیادین شده و فقر را برای زنان به ارمغان می آورد؟

سوال فرعی

- از نظر جنسیتی زنان بیشتر در معرض فقر هستند یا مردان؟

و سوالات دیگر اینکه:

- آیا از نظر حقوقی و اجتماعی فقر یک مفهوم یک بعدی است یا چند بعدی؟

- به راستی آیا فقر می تواند تهدیدی علیه امنیت بین المللی باشد؟

- علل فقر زنانه چیست؟

- آیسازمان های بین المللی برای رفع فقر در جهان و به خصوص زدودن آن از چهره زنان

تمهیداتی اندیشیده اند؟

د- روش تحقیق

اینجانب به منظور جمع آوری اطلاعات در زمینه فقر زنان به کتابخانه ها و مراکز علمی متعددی از جمله کتابخانه دفتر اطلاعات سازمان ملل متحد، کتابخانه ملی، کتابخانه وزارت

امور خارجه، مركز مطالعات حقوق بشر دانشگاه تهران، كتابخانه دفتر خدمات حقوق بين الملل، كتابخانه های سازمانهای غير دولتی و ديگر نهادهای مربوطه مراجعه کرده ام. بنابراین روش جمع آوری مطالب به صورت كتابخانه ای و در صورت لزوم استفاده از پایگاه های اینترنتی و به صورت تحلیلی – توصیفی می باشد.

ه- تعریف واژگان

فقر: در بیان تعریف فقر، مطالب زیادی عنوان شده است و تعاریف متعددی بیان گردیده است. برای مثال در دایره المعارفها گفته شده است که فقر یک اصطلاح نسبی است که دلالت بر نبود وسایل آسایش زندگی و عرضه نامکفی لوازم ضروری دارد، وضعی که در آن درآمد برای تأمین نیازهای معیشتی بسنده نباشد.^۱

فقر زنانه: (به انگلیسی feminization of poverty) به وضعیت افزایش روزافزون فقر در میان زنان کشورهای جهان سوم و زنان اقلیت و محروم در اروپا و آمریکا می پردازد.^۲

سازمان ملل متحد: سازمانی بین المللی است که در سال ۱۹۴۵ میلادی تأسیس و جایگزین جامعه ملل شد. این سازمان توسط ۵۱ کشور تأسیس و در سال ۲۰۰۶ میلادی، ۱۹۲ کشور عضو داشته است. اعضای آن تقریباً شامل همه کشورهای مستقلی می شود که از نظر بین المللی به رسمیت شناخته شده اند. مقرّ سازمان ملل متحد در نیویورک است و کشورهای عضو و مؤسسات وابسته در طول هر سال با تشکیل جلسات منظم در مورد امور بین المللی و امور اجرایی مربوط به آنها تصمیم گیری می کنند.^۳

^۱ - پاول مارک هنری، فقر، پیشرفت و توسعه، ترجمه مسعود محمدی، (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴) ص ۸۰

^۲ - <http://www.un.org/en/rights/>

^۳ - <http://www.hrw.org>

حقوق بشر: برخی اندیشمندان حقوق بشر را تحت عنوان حقوق افراد در قبال دولتها معرفی کرده اند. در همین راستا و از منظر دیگر، حقوق بشر آزادی توأم با زندگی طبیعی و یا آزادی توأم با حقوق نظری و نظایر آن نیز تعریف شده است. اما به هر تقدیر هر یک از تعاریف ارائه شده بر مبنای تعریف ارائه دهندگان آن از انسان مطرح گردیده است.^۱

ی- ساماندهی تحقیق

این پایان نامه در چهار فصل تهیه و تنظیم شده است که در فصل اول- طرح تحقیق، بیان مسأله و اهمیت موضوع به همراه سؤالات، تعریف واژگان و روش تحقیق ارائه می گردد.

فصل دوم- در دو بخش گردآوری شده است که در بخش اول به مفهوم فقر با تأکید بر فقر زنانه و اقسام آن پرداخته می شود و در بخش دوم علل و عوامل فقر زنانه به همراه آثار و پیامدهای حاصل از آن بر روی زنان مورد بررسی قرار می گیرد.

فصل بعدی با عنوان تحلیل حقوقی چهره زنانه فقر در سطح ملی و بین المللی سومین فصل این پژوهش می باشد که در دو بخش گردآوری شده است. در بخش اول بررسی چهره زنانه فقر در سطح ملی به همراه بررسی وضعیت زنان سرپرست خانواده در ایران صورت می گیرد و در بخش دوم چهره زنانه فقر در سطح بین المللی به همراه کنوانسیونها، اسناد و کنفرانس های جهانی مرتبط با زنان، به همراه اعلامیه توسعه هزاره و موفقیت ها و ناکامی های آن مورد بررسی قرار می گیرد.

در فصل چهارم نیز که در دو بخش گردآوری شده است عملکرد ارکان اصلی و فرعی سازمان ملل متحد پیرامون حقوق زنان به همراه راهکارهای ملی و بین المللی در جهت زدودن فقر از آنان ارائه می گردد و در پایان نتیجه گیری از کل مباحث مذکور به همراه ارائه پیشنهاداتی جهت بهتر عمل نمودن دولت ها و ملت ها به عمل می آید.

^۱ - جعفری، محمد تقی، حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب، (تهران انتشارات ۴ دفتر خدمات حقوق ۱۳۷۰) ص ۵۳

بخش اول:

مفهوم فقر با تأکید بر فقر زنانه

فصل اول: تعریف فقر

واژه *pauvre* «فقر» از ریشه لاتین *pauper* می آید که با *paucus* و یونانی *pénes* (فقیر) و *pénia* (فقر) قرابت داشته و با *penia* (گرسنه) هم خانواده و با واژه *ponos* (درد) و واژه *poiné* (مکافات، مجازات) نیز هم معنی است، ولی خویشی دورتری دارد. بنابراین فقر را در یونانی با واژه *aporia* (راه به جایی نداشتن، مشکلی که فقیر با آن دست به گریبان است) تعریف می کنند. ریشه های یونانی به دو امر واقع مثبت بر می گردد (اگرچه هر دو دردآور است): اما یکی ریشه بیولوژیک آن یعنی گرسنگی و دیگری ماهیت روان شناختی آن است.^۱

در تعریف دیگر آمده است، فقر فقدان ضروریاتی همچون نیازهای اساسی انسان برای ادامه بقا است که این نیازها را به این ترتیب می توان طبقه بندی کرد: نیازهای غذایی، آب نوشیدنی سالم، سرپناه و سلامت جسمانی. این تعریف مطلق (*absolute*) از فقر است که به طور کلی در رابطه با ملت های در حال توسعه مصداق دارد. در واقع فقر را نمی توان به عنوان پدیده ای جدا از جامعه مورد توجه قرار داد؛ بلکه فقر پدیده ای کاملاً پیچیده است و شناخت این پیچیدگی، شرط اساسی برای توسعه ابزارهای لازم جهت کاهش فقر می باشد.

در واقع برای ارائه تعریفی جامع و کامل از فقر و تأثیری که این پدیده بر جامعه فقیر می گذارد و نیز برای توصیف مجموعه فرآیندهای پویایی که به آن شکل می دهد و ادامه آن را ممکن می سازد، مجموعه ای کامل از متغیرهایی که در هم تأثیر می گذارد و از هم تأثیر می پذیرد لازم است.^۲ با این همه برای کسب مقاصد تحلیلی ضروری است، متغیر به متغیر مورد دقت و باریک بینی قرار گیرد تا تأثیر آن بهتر درک شود.

براساس آمار و شواهد موجود، فقر یکی از اساسی ترین چالش ها در گذشته و در عصر حاضر می باشد و به طور تقریبی می توان مدعی شد که پنجاه درصد از مردم دنیا در فقر

^۱- پاول مارک هنری، فقر، پیشرفت و توسعه، ترجمه مسعود محمدی، (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴) ص ۸۰

^۲- <http://www.unmillenniumproject.org>